



شهرداری، پیاده‌روها را به دستفروشان، ماهی ۶۰ میلیون تومان اجاره می‌دهد!



نگاه مورخ

## سفر نامه یک عملیات

۴۰ سال از سالروز آغاز عملیات بدر گذشت



غلامعلی دهقان

کارشناس سیاسی و مدرس تاریخ

عملیات بدر نام عملیاتی بود که در شامگاه ۱۹ اسفند ۱۳۶۳ کلید خورد. آن عملیات که در صورت موفقیت کامل می‌توانست نقطه عطفی در تاریخ جنگ باشد؛ بنا به دلایلی نتوانست به اهداف پیش‌بینی شده برسد. در آن زمان من دانشجوی دانشگاه امام صادق بودم. جمعی از دانشجویان دانشگاه یعنی برخی از ورودی‌های سال‌های اول دانشگاه (ورودی‌های سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۳) که سابقه آموزش نظامی داشتند، تصمیم گرفتند از اوایل اسفند دسته‌جمعی به جبهه عازم شوند. اما برخی مسئولین وقت دانشگاه از جمله معاون آموزشی وقت دانشگاه و امام‌جمعه فعلی مشهد جناب علم‌الهدی موافق نبودند. آنها تاکید داشتند به اندازه کافی نیروهای رزمنده در جبهه جنگ وجود دارد و وظیفه اصلی دانشجویان دانشگاه درس خواندن است.

حاج آقا باقری کنی (پدر علی باقری معاون سیاسی وزیر خارجه در دوره شهید رئیسی که هم‌اکنون با ۹۸ سال در قید حیات هستند)، می‌گفت: «شما قرار است وزیر وزرا، سفیر سفرا، وکیل وکلا شوید! پس اولویت با درس است.» خلاصه آنکه پس از اصرار و موافقت اعزام حدوداً نهم نفر داوطلب صورت گرفت. برای بدرقه هم سنگ تمام گذاشتند. خود آقای علم‌الهدی دانشجویان اعزامی را از زیر قرآن رد کردند. هنوز پیام است که دوستان بزرگوار مصطفی کواکبیان و عبدالله رمضان‌زاده هم برای بدرقه بودند. پس از حرکت از تهران با قطار به اندیمشک و سپس به دوکوهه رسیدیم. حضور گسترده رزمندگان نشان می‌داد خبری در راه است و عملیات بزرگی در شرف تکوین است. فرماندهان اعلام کردند دانشجویان اعزامی در مرحله اول نخواهند بود؛ اما در مراحل بعدی حضور خواهند داشت. روزهای بعد خبر رسید عملیاتی تحت عنوان بدر شروع و تعدادی از رزمندگان از جمله امام‌صادقی‌ها به مناطق عملیاتی نزدیک جبهه اصلی برده می‌شوند. در آن روزها برخی دوستان به شوخی می‌گفتند دهقان نورانی شده و حتماً شهید می‌شود.

ما در منطقه پیرامونی هورالهبویه مستقر شدیم تا در مراحل دیگر حضور رودررو با عراقی‌ها داشته باشیم. اما پس از چند روز از نبرد اخبار خوبی از خط مقدم نمی‌رسید. بعداً معلوم شد در منطقه عملیاتی هور رزمندگان در برخی از نقاط توانسته‌اند خود را به شرق دجله برسانند و حتی از آن عبور کنند و به غرب دجله ورود کنند؛ مثل شهید مهدی باقری فرمانده لشکر عاشورا. اما در برخی مناطق رزمندگان با آتش سنگین دشمن روبرو شده و موفق نشدند. قرار بود در این عملیات رزمندگان با عبور از رودخانه دجله در چندین نقطه خود را به غرب دجله برسانند و جاده اصلی بغداد به بصره قطع و به تعبیری ارتباط شمال و جنوب عراق قطع شود. در این عملیات دشمن به‌طور عجیبی از گازهای شیمیایی استفاده کرد. هر چند از قبل ماسک‌های مقابله به رزمندگان داده شده بود، ولی استفاده از آن هم آسان نبود. در همان منطقه که بودیم، روزی دیدم رزمندگان یکی از نوجوانان را به سرعت به سمت چادر واحد پزشکی می‌برند. گفتم قضیه چیست؟ گفته بنده خدا آمپولی را که موقع عملیات شیمیایی باید استفاده کند خواسته آزمایش کند و حالش به‌شدت بد شده است.

بعد از عملیات بدر تا دو ماه دیگر یعنی پایان اردیبهشت امام‌صادقی‌ها در جبهه بودند و سپس به تهران برگشتیم. من بنا به دلایلی مدتی بعد از دانشگاه انصراف دادم؛ اما دوستان دیگری که در جبهه هم بودند، مانند من، راه خود را رفتیم و آنها هم راه خود. در این سفر چندماهه سعید جلیلی (کاندیدای ریاست جمهوری چهاردهم)، مصطفی میرلوحی (معاون دانشگاه امام‌صادق)، سیدمحمد حسینی (وزیر ارشاد اسبق و معاون شهید رئیسی) هم بودند. در همان مقطع با هم بودن هم اختلافاتی در سیاست و فرهنگ بروز پیدا می‌کرد. اختلافاتی که دو سه دهه بعد در عرصه کلان سیاسی و فرهنگی کشور عینیت پیدا کرد. برخی در این سوی میدان و بعضی در آن سو...



عکس: مرتضی صالحی/فرمانبر

به آن اشاره کردند، «اصلاح نظام ارزی کشور» با تأکید بر تقویت پول ملی بود. ایشان «حفظ ارزش پول ملی» را «واجب و کاملاً ضروری و در بهبود زندگی مردم و افزایش قدرت خرید آنان و ارتقاء آبرو و اعتبار کشور مؤثر» دانستند و گفتند: «در این زمینه، بازگشت ارزهای حاصل از صادرات بسیار مهم است.»

آیت‌الله خامنه‌ای به برنامه شهید رئیسی برای وادار کردن شرکت‌های بزرگ دولتی بر خوددار از درآمدهای ارزی به اجرای پروژه‌های بزرگ آبی، پالایشگاهی و نیروگاهی در مناطقی از کشور اشاره کردند و گفتند: «البته گزارشی که از اقدامات آن شرکت‌ها به ایشان داده بودند، گزارشی مهمل بود و به هر حال، این قابل قبول نیست که درآمد ارزی شرکت‌های دولتی در اختیار دولت و بانک مرکزی قرار نگیرد و برای حل این مسئله باید تدبیری اتخاذ شود.» ایشان «اهتمام به تولید» را اولویت دیگر اقتصاد کشور خواندند و افزودند: «حمایت‌های قانونی، تجهیز منابع تولید، حذف موانع و بخشنامه‌های بیهوده و ارتقاء فناوری تولید جزو موارد ضروری است. همچنین مردم و بخصوص دستگاه‌های دولتی باید مقید شوند که نیازهای داخلی را از تولید داخل تأمین کنند و آنچه تولید داخلی دارد از خارج وارد و مصرف نشود.» مسئله سرمایه‌گذاری نکته‌آخردر زمینه مسائل اقتصادی بود که رهبری با اشاره به آن گفتند: «یکی از اهداف تحریم‌ها جلوگیری از سرمایه‌گذاری خارجی است که برای آن هم راه‌هایی وجود دارد.» ایشان افزودند: «مهمترین عامل افزایش سرمایه‌گذاری داخلی هم تسهیل امور برای سرمایه‌گذار است؛ به طوری که احساس کند سرمایه‌گذاری برای او نفع و سود خوبی دارد.»

آیت‌الله خامنه‌ای در بخش پایانی سخنان‌شان، با ابراز خرسندی از فعال بودن وزارت امور خارجه و تأکید بر گسترش تعامل با همسایگان و دیگر کشورها، گفتند: «بعضی دولت‌ها و شخصیت‌های قدر خارجی اصرار به مذاکره می‌کنند. در حالی که هدف آنها از مذاکره حل مسائل نیست؛ بلکه از مذاکره به دنبال تحکم و تحمیل مسائل مورد نظرشان هستند که اگر طرف مقابل قبول کرد چه بهتر، اما اگر قبول نکرد، جنجال راه بیندازند و او را به ترک مذاکره متهم کنند.» رهبری افزودند: «مسئله آنها فقط مسئله هسته‌ای نیست، بلکه مذاکره برای آنها راه و مسیری برای طرح توقعات جدید از جمله در زمینه امکانات دفاعی و توانایی‌های بین‌المللی و بیان انتظاراتی از این قبیل است که فلان کار را نکنید، یا فلان کس دیدار نکنید، برد موشک را از فلان قدر بیشتر نکنید که قطعاً این موارد از طرف ایران پذیرفته و برآورده نمی‌شود.» ایشان هدف طرف مقابل از تکرار مذاکره را «ایجاد فشار در افکار عمومی» دانستند و گفتند: «می‌خواهند در افکار عمومی تردید ایجاد کنند که چرا با وجود اعلام آمادگی آنها برای مذاکره، ما حاضر به مذاکره نیستیم؛ در حالی که هدف آنها مذاکره نیست بلکه تحکم و تحمیل است.»

آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به اعلامیه سه کشور اروپایی مبنی بر عمل نکردن ایران به تعهدات هسته‌ای خود در برجام، خاطر نشان کردند: «باید از آنها سؤال شود مگر شما به تعهدات خود در برجام عمل کردید؟ آنها از روز اول به تعهد خود عمل نکردند و پس از خروج آمریکا از برجام نیز با وجود قول‌هایی که برای جبران آن دادند، دوبار زیر قول خود زدند.» رهبری «بدعهدی اروپایی‌ها و در عین حال متهم کردن ایران به تخلف» را «نشانه بی‌چشم و رویی بی‌حد آنها» دانستند و افزودند: «دولت وقت یک سال آن وضعیت را تحمل کرد و سپس مجلس شورای اسلامی وارد میدان شد و مصوبه‌ای گذراند که راهی نیز جز این وجود نداشت و اکنون هم در مقابل حرف زور و زورگویی راهی دیگر وجود ندارد.»

با تبلیغات و اطلاع‌رسانی، مردم را در جریان وضعیت قرار دادند و به کنترل شرایط کمک کردند. برای تابستان هم باید همین مسیر را ادامه دهیم. در حال حاضر، کشور با تنش شدید آبی مواجه است و اگر راهکاری برای آن پیدا نکنیم، شرایط سختی خواهیم داشت. بنابراین، باید از همین حالا برای مصرف بهینه آب، برق و سایر منابع برنامه‌ریزی کنیم. اگر این اقدامات را جدی نگیریم، حتی اگر بهترین طرح‌ها را هم داشته باشیم، زمان کافی برای جبران نخواهیم داشت.»

### امضای ۱۷ میلیارد دلاری

محسن پاک‌نژاد، وزیر نفت پیش از سخنان رئیس‌جمهور، ضمن ارائه گزارشی تفصیلی از جزئیات قراردادهای به‌امضا رسیده در این مراسم، با بیان اینکه برای رسیدن به تولید روزانه یک میلیارد و ۳۴۰ میلیون مترمکعب گاز در طول چهار سال پیش رو به‌طور متوسط به سالانه ۱۹ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز داریم که تأمین این مقدار سرمایه‌گذاری مستلزم برنامه‌ریزی دقیق و استفاده مناسب از تمام ظرفیت‌های حوزه‌های مالی و پولی کشور است، بیان کرد: «در این زمینه وزارت نفت برنامه‌هایی را تدوین کرده تا از تمام این ظرفیت‌ها به نحو مطلوب استفاده شود. از جمله این ظرفیت‌ها استفاده از منابع صندوق توسعه ملی و سرمایه‌گذاری در صنایع انرژی همچون برق و پتروشیمی‌ها مطابق قانون برنامه هفتم پیشرفت در نظر گرفته شده است.» او ضمن اشاره به اینکه ایران و قطر طی سه دهه گذشته به‌صورت مشترک از این میدان برداشت کرده‌اند و طبیعی است که بعد از مدتی این میدان دچار افت فشار شود، تصریح کرد: «قطر از چند سال قبل با سفارش‌گذاری برای تهیه سکوها مورد نیاز و توربوکمپرسورها به سمت فشارافزایی حرکت کرده و طی دو سال آینده این امکان (فشارافزایی) را فراهم می‌کند، فراهم شدن این امکان یعنی نته‌تفا فشار بخش اصطلاحاً کنگبند شمالی در قطر افزایش پیدا می‌کند و ضریب تولیدشان بالا می‌رود، بلکه بخشی از گاز بخش ایرانی به دلیل اختلاف فشار به سمت قطر می‌رود که این موضوع اهمیت اجرای طرح فشارافزایی در ایران را بیش از پیش نشان می‌دهد.»

به گزارش شانا، پاک‌نژاد ضمن استقبال از انعقاد این قراردادها با چهار پیمانکار مطرح کشور (پتروپارس، اوپک، مینا و فراگاز سازندگی خاتم‌الانبیا) به‌عنوان پیمانکار عمومی، افزود: «ویژگی این پیمانکاران تجربه ارزشمند آن‌ها در توسعه میدان گازی پارس جنوبی است و این پیمانکاران عمومی قراردادهای را به پیمانکاران زیرمجموعه بخش خصوصی واگذار می‌کنند و از ظرفیت‌های بخش خصوصی به نحو احسن استفاده می‌شود.» وزیر نفت از تلاش‌های دولت سیزدهم نیز قدردانی کرد و با اشاره به تفاوت ارزش قراردادهای امروز نسبت به قراردادهای امضا شده در دولت پیشین اظهار کرد: «اجرای این طرح و قراردادهایی که امروز امضا می‌شود ۱۷ میلیارد دلار است، اما پارسل چهار قرارداد مقدماتی با سقف حدود ۴۰۰ میلیون دلار برای آشنایی پیمانکاران با این حوزه امضا شد، اما با کمال تأسفیک سنت هم هزینه نشد. در دولت چهاردهم، با توجه به دغدغه‌های موجود درباره ناترازی و تحقق اهداف برنامه پیشرفت، تمام قراردادهای این طرح شامل یک الحاقیه به قرارداد آبی‌سی‌سی فاز ۱۱ و شش قرارداد آبی‌سی‌سی با قیمت ثابت برای هاب‌های ۲ تا ۷ تهیه شد که امروز امضا می‌شود.»

عکس نوشت

## دلم تنگه، دلم تنگه

درباره عکسی از قبرستان ماشین

امیر جدیدی

عکاس و روزنامه‌نگار

عکس را که دیدم غم عالم روی دلم نشست. اصلاً یکجوری به هم ریختم که نگو و نپرس. رفتم به سال ۸۲. همان وقت که با هزار جور قرض و قوله یک پراید کله‌غازی خریدم. آن وقت‌ها تازه دانشجوی شده بودم. صبح به صبح نه به شوق دانشگاه که به عشق استارت زدن «غازی» چشم باز می‌کردم. یک لحظه صبر کنید! دارم چه می‌گویم؟ مگر اینجا اتاق تراپیست است که هر چه می‌خواهد دل تنگم می‌نویسم؟ نکند فکر کنید دیوانه شده‌ام. اصلاً ببینم، شما برای ماشین‌تان اسم نمی‌گذارید؟ شما صبح به صبح که سوارش می‌شوید و شب به شب که پارکش می‌کنید سلام و خسته‌نباشیدش نمی‌گویید؟ شما وقتی توی ترفاک و سربالایی گیر می‌کنید و مجبورید هی کلاچ بگیرید و گاز بدهید دلتان به حال چهار چرخ زیر پایتان نمی‌سوزد؟ اصلاً حواس‌تان هست اگر روزی بخواهید به دست دیگری بسپاریدش، صاحب جدیدش اهل باشد؟ یک پله بالاتر شما با ماشین‌تان رفیق نمی‌شوید؟ مگر آدمیزاد از رفیق چه می‌خواهد؟ غیر این است که ساعت‌های زیادی از وقتش را با او بگذرانند. غیر این است که با هم به سفر بروند. غیر این است که جور همدیگر بکشند. غیر این است که در خیابان‌های شهر دست به دست هم دهند و دلبری کنند. چه شد که اینقدر بی‌وفا شدم؟ چه شد که وقتی بوی نو آمد، کهنه «غازی» دل‌آزارم شد؟ چه شد که «غازی» راهی قبرستان شد؟ من چه رویی سر بلند کنم و بگویم رسم رفاقت می‌شناسم؟ آسمان تهران می‌بارد. گمان کنم دل او هم گرفته. احتمالاً او هم از تارقیقی دلش گرفته که به حق هق افتاده و یک شهر را خیس آب کرده. بی‌ارای نهنم باران، زمین خشک را تر کن / سرود زندگی سر کن، دلم تنگه دلم تنگه...



عکس: مرتضی صالحی/فرمانبر